

خبر

رضا کیانیان:

لذت کارم را زمان اجرا و ساخته شدن می برم



بخش فرهنگی – رضا کیانیان می گوید: من اصلا فکر نمی‌کنم که دیگران درباره من چه فکری می‌کنند و لذت کارم را زمان اجرا و ساخته شدن می‌برم.

به گزارش ایسنا، رضا کیانیان با بیان اینکه ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ متولد شده‌است، گفت: تولد تهران هستم اما در مشهد بزرگ شده‌ام زیرا در یک سالگی با خانواده به مشهد رفتم. مادرم مدت ها بچه‌دار نمی‌شد تا اینکه به امامزاده داوود می‌روند ، دعا می‌کنند و برادر بزرگم داوود که ۹ سال با من تفاوت سنی دارد به دنیا می‌آید. بعد از چندسال برای دوباره بچه‌دار شدن به مشهد می‌روند و نذر می‌کنند که اگر بچه دار شدند برای ادامه زندگی به مشهد می‌روند که من به دنیا آمدم و اسمم را رضا گذاشتند. مادرم می‌گفت قرار بود اسم من را دانیال بگذارند به دلیل اینکه اسم برادرم داوود بود اما به خاطر نذرشان رضا گذاشتند. وی در گفتگوی که برای ثبت تاریخچه شفاهی ما موزه سینما داشته و بخشی از آن در سالروز تولدش منتشر می‌شود با اشاره به اینکه از یک سالگی به مشهد رفته است و پدرش در آنجا مجاور شده ، ادامه داد: در مشهد برادرم کارگردان تئاتر شد و من دائم به به او می‌گفتم من را در گروهش که تئاتر پارت بود، راه بدهد. یادم می‌آید تئاتری را در سالن دانشگاه فردوسی مشهد کارگردانی می‌کرد و بازیگری داشت که هم‌سن من بود . به او گفتم چرا من را جای او نمی‌گذاری و او می‌گفت اگر تو را بگذارم می‌گویند برادرش را گذاشته و من به او می‌گفتم بگویند، من خیلی بهتر بازی می‌کنم.

کیانیان با بیان اینکه اولین نقش سینمایی‌اش را در سه سالگی بازی کرده است، خاطرنشان کرد: برادرم من را با جادو مادرم و شمشیر چوبی شبیه زورو درست کرد و من حرکات آنرا انجام می‌دادم که نشان می‌داد آن زمان‌ها سینما رفته بودم و حرکات او با شمشیر در ذهنم مانده بود.

این هنرمند با اشاره به فعالیتش در تئاتر نیز بیان داشت: گرایش من در تئاتر بیشتر به سمت علی رفیعی بود. در سال سوم دانشکده نمایشی به نام آنتیگونه که در جذب مخاطب موفق بود با علی رفیعی کار کردم. او در کار بسیار جدی بود و همیشه تصور می‌کرد همه بد بازی می‌کنند و حرکت‌های بدنی حیرت‌انگیزی از بازیگر می‌خواست. کیانیان با بیان اینکه قرار بود در فیلم «هامون» حضور داشته باشد، توضیح داد: یادم می‌آید در دوره‌ای زنده یاد عزت الله انتظامی برای درپوش مهرجویی بازیگر انتخاب می‌کرد و برای نقش علی عابدینی در فیلم هامون من را معرفی کرده بود. مهرجویی به همراه انتظامی به پشت صحنه تاتر می‌سی سی یازده یاد حمید سمندریان آمده بودند و بازی من را آنجا دیده بودند. انتظامی پیش زنده یاد سمندریان رفته بود و درباره من و اینکه چه کسی هستم از او سوال کرده بود. با من تماس گرفتند به دفتر دارپوش مهرجویی رفتم و با اوصحت کوتاهی داشتیم به من گفت در تئاتر که دیدم مدت بلندتر بود اما الان قدت کوتاه است و من را نپذیرفت و من خیلی حالم بد شد. (با خنده) وی درباره همکاری خود با احمدرضا درویش در فیلم «کیمیا» نیز توضیح داد: به دفتر آقای یشایی برای صحبت با درویش برای بازی در فیلم کیمیا رفتم. به من گفت قرار بود نقش را عزت الله انتظامی بازی کند، اما سر فیلمبرداری «جنگ نفت کش‌ها» رفته است و قرار بود طبقه اجتماعی این نقش را خودش مشخص کند ، شما فیلمنامه را بخوانید و درباره نقش به من خبر بدید . فردا دوباره به دفتر ایشان رفتم و درباره نقش و چیزی که مد مد نظر خودم و او بود توضیح دادم و قرارداد بستیم. کیانیان یادآور شد: فیلم سینمایی « کیمیا » به جشنواره فیلم فجر رفت و من برای نقش دوم کاندید شدم و رمانیکه شب به خانه برگشتم همدسرم گفت چند پیام تلفنی دارم. وقتی پیام‌ها را چک کردم متوجه شده پیامی از طرف ناصر تقوایی شدم، مبنی بر اینکه فیلم را دیده‌ا از نقش من خوشش آمده‌است که با شنیدن این پیام بسیار خوشحال شدم.

وی با بیان اینکه هیچ وقت بین خودش و دیگران دیوار نکشیده است، گفت: حتی با کسانی که مسلحانه با من متفاوت است هم دوست هستم. به عنوان مثال، با حسین جریحند دوست هستم. به دفترش می‌روم و باهم آنگوشت می‌خوریم اما در فیلم‌هایش بازی نکردم چون سلیقه‌مان باهم در این مورد متفاوت است.

این بازیگر درباره همکاری‌اش با مسعود کیمیایی در فیلم «سلطان» نیز گفت: در آن فیلم مسامد مقدم دستیار بود و من را به کیمیایی معرفی کرده بود (آقای کیمیایی من را نمی‌شناخت). زمانیکه به دفترشان رفتم هدیه تهرانی هم حضور داشت و سامان مقدم به من گفت یک بازیگر پیدا کردم که بسیار خوب بازی می‌کند و هدیه تهرانی را به من معرفی کرد؛ از همان جا آشنا دوست خواداگی شدیم و در چند فیلم دیگر باهم بازی کردیم.

وی ادامه داد: مسعود کیمیایی درباره نقشم در فیلم «سلطان» به من گفت این نقش مانند نقش بهمن مفید در فیلم قیصر است و دو صفحه دیالوگ به من داد ، خواندم و تصویری که قرار بود درباره نقشم بگیریم در اداره آگاهی بود ، در مورد لباس هم نکته خاصی نداشت و می‌گفت همین که پوشیدی خوب است.

کیانیان درباره همکاری‌اش با بهمن فرمان آرا نیز گفت: فرمان آرا می‌خواست فیلم «بوی کافور عطر یاس» را بسازد، در آنجا هم سامان مقدم دستیار بود که از من برای نقش اصلی دعوت کردند. به فرمان آرا گفتم چیزی که درباره نقش تعریف می‌کنید بیشتر شبیه خودتان است . آن نقش را به ایدین آغداشلو و چند نفر دیگر هم معرفی کرده بود و آنها هم نظرشان مانند من بود که خود بهمن فرمان آرا آنرا بازی کند که در نهایت خودش بازی کرد و فیلم خوبی شد. «بوی کافور عطر یاس» از فیلم هایی بود که جایش خالی بود و مانند یک نفس تازه در سینمای ایران بود.

وی ادامه داد: یادم می‌آید به فرمان آرا گفتم، به من را از کجا می‌شناسی و گفت از سلاشور در فیلم «زاسن شیشه‌ای» در ذهنم مانده بود که برایت در فیلم‌های خودم نقشی بگذارم.

رضا کیانیان درباره همکاری خود با حاتمی کیا نیز گفت: ابراهیم حاتمی کیا را نمی‌شناختم فقط فیلم‌هایش را دیده بودم و به نظرم کارگردان بسیار خوبی است. در آن فیلم آتیلا پسیانی برای حاتمی کیا بازیگرانی و انتخاب بازیگر انجام می‌داد، فیلمبرداری این فیلم کمی به تأخیر افتاده بود و پسیانی تئاتری داشت که باید به هلند می‌رفت و کارگردان هم گفته بود باید یکی را جای خودت بگذاری و پسیانی به او گفته بود رضا کیانیان مناسب است و مشخصات من را داده بود، حاتمی کیا قبول کرده بود و گفته بود او فیلسوف است و دائم می‌خواهد با من بحث کند (مقالاتم را در مجلات خوانده بود). زمانی بود که من زیاد می‌نوشتم که چرا فیلم را به عنوان فیلم نقد نمی‌کنند و به عنوان پیام نقل می‌شوند و همچنین مقالاتی درباره تئوری های بازیگری که در جواب آتیلا پسیانی گفته بودم بدین شکل نیست، خودش متفاوت است و از من دعوت کردند و بازیگران را هم شدم . کیانیان در پایان بیان داشت: من اصلا فکر نمی‌کنم که دیگران درباره من چه فکری می‌کنند و لذت کارم را زمان اجرا و ساخته شدن می‌برم.

{فرهنگ و هنر }

مریم ویسی

(خوشنویس و پژوهشگر خط کوفی) مطرح کرد

ترک‌ها بسیاری از نسخه‌های خوشنویسی ما را پنهان یا پاره کرده‌اند

خط نستعلیق بود اما من به حرفش گوش ندادم روی خط کوفی متمرکز شدم.

در همان کلاس نستعلیق در همان ماه اول امتحان مقدماتی دادم و یک ماه دیگر هم کلاس را ادامه دادم.

❖ **یعنی در مدت زمان دوماه نوشتن خط نستعلیق را یاد گرفتید؟**

بله با دوماه حضور در کلاس یادگیری نستعلیق را به پایان رساندم و اینجا نیز همان اتفاقی افتاد که در کلاس نقاشی برابرم رخ داده بود. در نهایت موفق به کسب مدرک عالی از انجمن خوشنویسان شدم.

❖ **دلیل این بازه زمانی کوتاه را چه می‌دانید. به هرحال خوشنویسی هنری نیست که بتوان آن را در عرض دوماه یاد گرفت.**



من در دانشگاه، گرافیک خوانده‌ام و شاید داشته‌هایم در این اتفاق موثر بوده است. یادم هست در دانشگاه ژوژمان داشتم و بابت به سرانجام رساندن آن سه شبانه‌روز نخوابیدم و فقط کار کردم. می‌خواهم بگویم تا این حد رشته تحصیلی‌ام برام اهمیت داشته و تلاشم این بود تمام مقولات و درس‌ها را به درستی بیاموزم.

❖ **نقطه مشترک گرافیک، نقاشی و خطاطی چیست؟ منظور آن مولفه‌ای است که در نقاشی و طراحی و گرافیک وجود دارد و در خطاطی به کمک شما آمده است.**

آنچه در خوشنویسی بسیار مهم است تشخیص اندازه‌ها و هندسه و تناسب است. به نظرم درک درست اندازه‌ها کار سختی نیست اگر چشم هنرمند براساس تمرین و آموزش درست عمل کند.

❖ **این همان امتیازی است که از نقاشی و گرافیک حاصل شده است.**

بله همینطور است.

❖ **از اهمیت خط کوفی و اهمیت آن در دنیای امروز بگویید. بالاخره این خط ایرانی است یا به کشورهای عربی تعلق دارد؟**

خط کوفی ذاتا ایرانی نیست و این درحالی است که افرادی اصرار دارند آن و اقلام سفته (شش‌گانه‌های محقق، ریحان، ثلث، نسخ، تویقع، رفاع) را متعلق به ایران بدانند که درست نیست.

❖ **واقعا چنین ادعایی از سوی ایرانیان وجود دارد و برخی نظرشان این است که خط کوفی مال ماست؟**

بله خیلی از دوستان چنین اصرار و ادعایی دارند. آن‌ها می‌گویند از آنجایی که این مقله شیرازی (ادیب، خوشنویس و یکی از وزرای عباسی) خطوط را قاعده‌مند کرده پس خط کوفی مال ایران است که واقعا این نظریه اشتباه است. شما تصور کنید به انگلیسی می‌روید و روی یکی از خط‌ها یا فونت‌هایی که خاستگاهش انگلیس است کار می‌کنید و آن را قاعده‌مند می‌سازید. آیا می‌توانید آن را متعلق به خودتان کشورتان بدانید؟ مسلما خیر.

❖ **ما مجاز هستیم بگوییم فلان خط فلان کشور را تکمیل کرده‌ایم. همین و بس؟**

دقیقا. خلق کردن یا قاعده‌مند کردن متفاوت است. این مقوله شیرازی نیز صرفا با ایجاد تغییراتی، خط کوفی را قاعده و چهارچوب بخشیده و آن را خلق نکرده است.

❖ **تصاحب هنرها و مقولات دیگر توسط دیگر کشورها در دنیای امروز امری مرسوم است. مثلا ترکیه می‌آید و فلان ساز و موسیقی را به نام خودش ثبت می‌کند و کشور دیگری مدعی این می‌شود که فلان شاعر ایرانی متعلق به آن‌ها است. در مورد خط کوفی بدترین اتفاق این است که شیوه و سیاق درست دستخوش تغییر و تحریف می‌شود.**

متأسفانه این مشکلات بخصوص در کشورهای همسایه و هم‌جواریران وجود دارد. همان ترکیه که مثال زدید درست است و مسئولان این کشور مدهائست روی چنین موضوعاتی کار می‌کنند تا برای خودشان تاریخ‌سازی کنند.

❖ **ترکیه در زمینه خوشنویسی تاکنون چه شیطنت‌هایی کرده است؟**
ترکیه‌ای‌ها بسیاری از نسخه‌های خوشنویسی ما را در مخزن‌های‌شان پنهان کرده‌اند و حتی تصویر آن‌ها را به ما پژوهشگران نمی‌دهند. یا به پاره کردن صفحات کتابتا ما پرداخته‌اند. چنین شیطنت‌هایی وجود دارد و آن‌ها خیلی نسخ ما را در موزه نمایش نمی‌دهند. یکی از استادان می‌گفت اگر ترکیه‌ای‌ها چنین کاری کنند آبروی خوشنویسی‌شان می‌رود؛ زیرا نسبت به کشور ما پیشینه و قدمت تاریخی ندارند.

❖ **آثار ما چطور به دست ترک‌ها رسیده است؟**

هرچه که دارند از ما خریداری کرده‌اند. در دوره‌ای تاجران و جهانگردان ترک، نسخه‌های بسیاری را از ما با قیمت خوب خریده‌اند و آن‌ها را در کشورشان به فروش رسانده‌اند. همانطور که گفتم بدی ماجرا این است که عکس آن آثار نیز به دست ما نمی‌رسد. چند مربع خیلی خوب و فاخر از دوره صفویه و شاه تهماسب داریم که توسط هنرمندان مطرحی چون مالک دیلمی و دیگران خلق شده‌اند. متأسفانه این آثار در اختیار ترکیه است و حتی تصویر آن‌ها را به ما نمی‌دهند.

❖ **سرتقاها و تملک و تصاحب آثار هنری همواره یکی از مشکلات ما بوده است. چنین اتفاقی هایی در اغلب هنرها افتاده و مثال‌های متعددی در اینباره وجود دارد. دلیل چنین اتفاقاتی بی‌اهمیت شمردن تاریخ و گذشته توسط خودمان است.**

بله. ما ایرانی هستیم و عرق ملی داریم، اما واقعیت این است که در موارد اینچنینی کوتاهی کرده‌ایم و در مقابل، کشورهای همسایه نیز دیواری کوتاه‌تر از ما پیدا نکرده‌اند.

❖ **خط کوفی در دنیای امروز تا چه حد مورد توجه است و تا چه حد اهمیت دارد؟**

اگر جهان اسلام و حوزه خاورمیانه را در نظر بگیریم درخواهیم یافت خط کوفی مقوله‌ای مهجور نیست. به طور معمول جشنواره‌ها و نمایشگاه‌هایی با موضوعیت خط کوفی برگزار می‌شود و هنرمندان کشورهایی چون امارات متحده عربی، عراق، قطر و حتی ترکیه نیز روی خط کوفی کار می‌کنند. در مقابل تعداد ایرانیانی که روی خط کوفی کار می‌کنند، بسیار انگشت‌شمار است و اغراق نیست اگر بگوییم تعداد افرادی که در ایران استادانه خط کوفی می‌نویسند به ده نفر نمی‌رسند.

یکشنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۰

❖ **به جز تعداد کم کوفی نویسان، این رشته پژوهشگران کمی دارد.**

کلا مقوله پژوهش در ایران بسیار ضعیف است و خط کوفی نیز از این کمبود مستثنی نیست.

❖ **خط کوفی چگونه به ایران آمده است؟**

با قاطعیت می‌توان گفت خط کوفی از کتاب آسمانی قرآن کریم آمده است؛ لذا اشتباه است اگر بگوییم در اینباره مدرکی وجود ندارد. عقلائی هم نیست اگر بگوییم خط کوفی به واسطه وجود کتاب دیگری ایجاد شده است.

❖ **خط کوفی در ایران طی سال‌ها و دهه‌های اخیر تا چه حد ارتقا یافته است؟**

خط کوفی به واسطه قرآن به ایران آمده و پا گرفته و چند سالی روی اعراب گذاری‌های آن کار شده است. واقعیت این است که ایرانی‌ها به نسبت اعراب مقداری از لحاظ هنری در سطح بالاتری قرار دارند و ذوق بیشتری داشته‌اند. بنا به این دلایل ایرانی‌ها خط کوفی را با لجه ایرانی کار کرده‌اند یا اصطلاحا آن را ایرانیزه کرده‌اند.

❖ **عموما خط کوفی در نگارش قرآن و آیات و احادیث مورد استفاده قرار می‌گرفته و هنوز هم همینطور است. در این میان ادبیات و اشعار و روایات و افسانه‌های ایرانی تا چه حد مورد توجه بوده است؟**

پس از آنکه اسلام وارد ایران می‌شود زبان نیز رنگ و بوی عربی به خود می‌گیرد. این قضیه در نسخه‌های به جا مانده از گذشته قابل مشاهده است. مثلا فلان شخص اهل قزوین است اما نسخه‌اش عربی است. چنین مواردی وجود دارد.

این را هم در نظر داشته باشید که مقوله خط پرسوسه‌ای زمان پراست. یعنی اینطور نیست که مثلا بگوییم حال که کامپیوتر دارم یک فونت اختراع کنم، مشابه اتفاقات بدی که امروزه در زمینه نقاشی خط و ابداع یک سری خطوط رخ داده است. طی این روند است که مثلا هرکس به حساب خودش یکی دو خط ابداع کرده و اسمی بر آن نهاده، در صورتیکه قبلا اینطور نبوده است. به طور مثال گذار از خط کوفی اولیه تا خط کوفی مشرقی حدود سیصد، چهارصد سال به طول انجامیده است. هیچ اتفاقی در این زمینه یک شبه رخ نداده است. چندین سال، مثلا پنجاه سال گذشته تا یک نفر بیاد و حرف الف را کج‌تر بنویسد، یا هفتاد سال زمان صرف شده اولیه تا خط کوفی مشرقی حرف افزوده شود. امروزه هر آنچه یک شبه ساخته می‌شود واژه مدرن را پسوند آن قرار می‌دهند؛ می‌گویند کاری که کرده‌ایم به روز و جدید است. از همین کلمه مدرن سو استفاده می‌شود.

❖ **در خلال گفتگو اشاره شد که خط کوفی پژوهشگران انگشت شماری دارد با این حساب منابع مکتوب ما در این زمینه چه وضعیتی دارد؟**

آثار مکتوب ما با موضوعیت خط کوفی بسیار کم و معدود است. اگر بگویم در این زمینه حتی ده کتاب هم نداریم اغراق نکرده‌ام. واقعا به ده تا هم نمی‌رسد.

❖ **این کمبود منابع کار پژوهشگران را دشوارتر می‌کند؟**

صد درصد همینطور است و کار بسیار سخت می‌شود. شما حساب کنید من که در زمینه خط کوفی پژوهش فعالیت می‌کنم در کتابخانه‌ام بیش از پنج یا شش کتاب ندارم. این را هم در نظر داشته باشید که من مدام در حال جستجو و بروز شدن هستم تا از آثار و منابع تازه منتشر شده باخبر شوم. حتی در زمینه مقاله‌ام هم دچار کمبود هستم.

❖ **وضعیت در دانشگاه‌های ما چگونه است. هم در رابطه با آموزش و پژوهش و هم در زمینه منابع مکتوب؟**

متأسفانه محبت پژوهش در دانشگاه‌های ما نیز مقوله‌ای جدی نیست و برای آموزش آن بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم. چند وقت پیش خامنی برای انجام کارهای پایان نامه‌اش که موضوع آن خط کوفی بود با من تماس گرفت که من از دانشگاهی که ایشان در آن تحصیل می‌کنند نامی نمی‌برم. از ایشان پرسیدم شما کی دفاع دارید؟ که گفتند خرده‌امام. یعنی تا جلسه دفاع چهار پنج روز فاصله داشتند اما نمی‌دانستند باید چه کنند و نمی‌دانم استاد راهنما در این میان چه نقشی داشته است.

❖ **زمانی که اغلب رشته‌های هنری واحد یا دروسی با محوریت پژوهش ندارند، توقع بیشتری نمی‌توان داشت. در دانشگاه‌های ما خوشنویسی تدریس می‌شود؟**

بله درست است. عدم تخصص آکادمیک در امر پژوهش یکی از مشکلات این عرصه است. خیر خطاطی در دانشگاه تدریس نمی‌شود و آن خانم نیز بر اساس موضوعی که به او محول شده، به سراغ خط کوفی رفته است.

❖ **خوشنویسی رشته آکادمیک ندارد؟**

متأسفانه همینطور است. البته آنطور که شنیدم، دانشگاه علمی کاربردی چند وقت پیش در مقطع کاردانی دانشجو می‌گرفت و اگر اشتباه نکنم این قضیه نیز کسحل شده است.

❖ **دانشگاه علمی کاربردی به لحاظ کیفیت دارای نواقصی است.**

مشکل بزرگی که در محبت خوشنویسی داریم این است که معمولا استادانی که در حروف یا کلمات تغییراتی ایجاد می‌کنند، مثلا یک نون یک دایره تغییراتی ایجاد می‌کند تصور می‌کند همه چیزدان است و هرآنچه را لازم است، آموخته‌ا؛ زمانی که این تفکر ایجاد می‌شود آن استاد دست از مطالعه و تحقیق می‌کشد و این خیلی بد است. مشکل اکثر استادان ما این است که فقط به نوشتن فکر می‌کنند و هرآنچه آموخته‌اند را تکرار می‌کنند. استادان اندکی داریم که با سرعت و کیفیت تا به طور توانمان طی کرده و حفظ کرده باشند.

❖ **درباره بازار فروش آثار خوشنویسی در ایران نیز کمی توضیح دهید. آیا یک هنرمند خوشنویس می‌تواند با فروش آثارش کسب درآمد کند و از مشاغل دیگری بی‌نیاز شود؟**

متأسفانه این بازار منخص در ایران وجود ندارد. در کشور ما حتی کارمندی که حقوق ثابت دارد بعداز ظهرها به شغل دیگری می‌پردازد. مثلا در اوسنی کار می‌کند به این دلیل که دخل و خرج با هم همخوانی ندارد. در چنین اوضاعی وضعیت شغلی و درآمد هنرمند معلوم است. یک هنرمند، یک خوشنویس مگر می‌تواند چند اثرش را بفروشد؟! لذا باید شغل دیگری را برگزیند یا هنری دیگر را به عنوان شغل دوم انتخاب کند. کلا اقتصاد هنر ما دارای اشکلات زیادی است. در حالی که دیگر کشورها روی تخصصی‌سازی کار می‌کنند. یعنی من که خطاطی می‌کنم حق ندارم کار دیگری انجام دهم و معلم حق ندارد خارج از تخصصش عمل کند و به کار دیگری بپردازد. رعایت چنین موردی بسیار مهم است. هنر نوعی فراخ بال، اندیشه و ذهنی آرام می‌خواهد.

❖ **مخاطبان و هنردوستان خارجی در نمایشگاه‌های بین المللی به خرید آثار ایرانی توجه نشان می‌دهند، در حالی که زبان فارسی هم نمی‌دانند. در واقع بعد گرافیکی آثار است که توجه غیر ایرانیان را به خوشنویسی جلب می‌کند. با این حساب آیا می‌توان گفت خطاطی نوعی هنر گرافیکی است؟**

بله آن فررها و اشکال و تناسبات است که توجه مخاطبان خارجی رابه آثار ما جلب می‌کند. سوال خوبی پرسیدید اما جوابش در یکی دو خط نمی‌گنجد. از آنجایی که بدون استاد حرف نمی‌زنم نمی‌توانم پاسخ شما را در چند جمله بدهم. اما بله ممکن است خوشنویسی یک اثر گرافیکی هم محسوب شود.